

رابطه بین کیفیت حسابرسی، ساختار مالکیت و کیفیت اقلام تعهدی^۱

حسین شیخلو^۲، احمد محمدی^۳

چکیده

این پژوهش اثر تعاملی کیفیت حسابرسی بر رابطه‌ی بین ساختار مالکیت و کیفیت اقلام تعهدی را بررسی می‌کند. متغیر وابسته این پژوهش کیفیت اقلام تعهدی است. متغیر مستقل آن ساختار مالکیت (مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی) می‌باشد. همچنین در این پژوهش از کیفیت حسابرسی (اندازه حسابرس و تخصص در صنعت حسابرس) به عنوان متغیر تعدیل‌گر استفاده شده است. در این تحقیق از اندازه شرکت و اهرم مالی، به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که پس از در نظر گرفتن شرایطی تعداد ۱۹۶ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. دوره تحقیق ۸ سال (۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳) می‌باشد که داده‌های مورد نیاز از صورتهای مالی حسابرسی شده استخراج شده است. برای آزمون فرضیات از رگرسیون حداقل مربعات تجمیع شده استفاده شده است. یافته اصلی این پژوهش حاکی از آن است که بین ساختار مالکیت و کیفیت اقلام تعهدی رابطه معناداری وجود ندارد و همچنین کیفیت حسابرسی تأثیری بر رابطه بین این دو متغیر ندارد.

کلید واژه‌ها: کیفیت اقلام تعهدی، کیفیت حسابرسی، مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی

^۱ مقاله استخراج شده از پایان نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد.

^۲ شیخلو، حسین. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سراب

نویسنده مسئول - شماره تماس: ۰۹۱۴۲۲۹۴۸۹۵، shho9813@yahoo.com

^۳ محمدی، احمد. استادیار گروه حسابداری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز iacpa_a_mohammadi@yahoo.com

مقدمه

از کیفیت ارقام تعهدی می توان به عنوان نمائندگی برای سنجش کیفیت گزارشگری مالی استفاده کرد. ارقام تعهدی به عنوان تفاوت میان سود حسابداری و جریانهای نقدی تعریف شده است. از دیدگاه سرمایه گذاران، کیفیت ارقام تعهدی را میتوان درجه نزدیکی سود شرکت با میزان جریانهای نقدی ایجاد شده تعریف کرد. کیفیت ارقام تعهدی پایین، میزان نزدیکی سود با جریان های نقدی را کاهش داده و موجب افزایش ریسک سرمایه گذار در ارتباط با تصمیم گیری در مورد شرکت یا شرکت های خاص می گردد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵).

ارقام تعهدی به دو دسته ارقام تعهدی اختیاری و ارقام تعهدی غیراختیاری تقسیم می شوند: ارقام تعهدی اختیاری آن دسته از ارقام تعهدی هستند که در نتیجه تصمیمات مدیریت واحد تجاری تغییر می کنند. به بیان دیگر این ارقام، تحت تأثیر رویه ها و خط مشی های انتخابی (مبتنی بر استانداردهای حسابداری) شرکت قرار دارند. هر چه مدیریت اختیار عمل بیشتری برای دستکاری ارقام تعهدی داشته باشد، امکان به کارگیری از آنها برای متأثر کردن سود افزایش می یابد. هزینه استهلاک، درآمد حاصل از سرمایه گذاریها، سود و زیان ناشی از فروش داراییهای ثابت و استهلاک صرف و کسر اوراق قرضه نمونه هایی از ارقام تعهدی اختیاری می باشد. در حالی که، ارقام تعهدی غیراختیاری بر مبنای استانداردهای حسابداری شناسایی می شوند؛ ارقام تعهدی غیراختیاری به واسطه مقررات، سازمان ها و دیگر عوامل خارجی محدود می گردند. از این رو، مدیریت چندان توانایی دستکاری ارقام تعهدی غیراختیاری را ندارد. اما ارقام تعهدی اختیاری می تواند نتیجه رفتار فرصت طلبانه مدیریت باشند (لیوز و وریجیا^۴، ۲۰۰۰؛ کمبل^۵ و همکاران، ۲۰۰۱).

عوامل بسیاری در کاهش سودمندی ارقام تعهدی اثر دارند، یکی از مواردی که ممکن است بر کیفیت ارقام تعهدی شرکت ها تاثیر گذار باشد، ترکیب سهامداران شرکت ها و بخصوص حضور سهامداران نهادی در ترکیب مالکان شرکت ها است. سهامداران نهادی در دهه های اخیر به یکی از مهمترین اجزای بازار سرمایه در اکثر کشورهای جهان تبدیل شده اند. به طوری که حجم بزرگی از سرمایه گذاری های انجام شده در اکثر کشورهای جهان توسط این نهادها صورت گرفته است. سرمایه گذاری های انجام شده توسط سرمایه گذاران نهادی عمدتاً به شکل غیر مستقیم صورت می گیرد. بدین ترتیب که پس انداز ها و سرمایه گذاری های کوچک افراد جامعه توسط این نهاد ها جمع آوری و یک کاسه می شود و سپس سرمایه گذاری در طرح ها و پروژه ها توسط سهامداران نهادی صورت می گیرد. سهامداران نهادی به ارزش بلند مدت شرکت توجه زیادی داشته و عمدتاً از توانایی های کنترل شرکت نیز برخوردارند (لی، ۲۰۰۶). سهامداران نهادی سرمایه گذاران کوتاه مدت نیستند که مبادلات خود را بر مبنای اخبار سو بد ترتیب دهند. آنها تمایل زیادی به صرف منابعی برای نظارت و تاثیر گذاری

⁴ Leuz & Verrecchia

⁵ Campbell

در حوزه مدیریتی داشته و سعی می کنند موانعی را برای مدیریت ایجاد نمایند تا از دستکاری سود با استفاده از ارقام تعهدی که موجب افزایش عدم اطمینان اطلاعات مربوط به سود و کاهش کیفیت ارقام تعهدی و سود می شود اجتناب ورزند (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵).

ساختار مالکیت به بیان ساده یعنی چه اشخاصی (حقیقی یا حقوقی) بر تصمیمات عملیاتی و استراتژیک یک شرکت تسلط و حکمفرمایی دارند. ترکیب سهامداران و میزان تمرکز مالکیت، دوجنبه اساسی ساختار مالکیت شرکتها به شمار می رود. ترکیب سهامداران از طریق چهار متغیر، مالکیت مدیریتی، مالکیت شرکتی، مالکیت خارجی و مالکیت نهادی اندازه گیری می شود (بیابانی و رضی کاظمی، ۱۳۹۲).

مطالعات قبلی نشان دادند که مالکیت مدیریتی بالا، ممکن است قابلیت اتکا اطلاعات حسابداری را افزایش یا کاهش دهد برای نمونه فرانسیس و همکاران (۲۰۰۶)، دریافتند که محتوای اطلاعاتی سود با سطح مالکیت مدیریت افزایش می یابد؛ همچنین اندازه اصلاحات ارقام تعهدی اختیاری همراه با سطح مالکیت مدیریت کاهش می یابد. فان و وانگ (۲۰۰۲)، استدلال کردند که مدیران شرکتهای با تمرکز مالکیت بالا، عوامل انگیزشی زیادی برای افشا اطلاعات نهانی شرکت به صورت محدود دارند. همچنین سهامداران دارای کنترل، توانایی و انگیزههایی برای درخواست گزارش در جهت افزایش منافع خود دارند. از سوی دیگر، مدیران شرکتهای با مالکیت مدیریت بالا، کمتر با حسابداری مبتنی بر محدودیتها، پایش توسط سهامداران عمده و سلب مالکیتهای ارزش افزا مواجه هستند. بنابراین ممکن است بر به کارگیری نادرست رویکردهای حسابداری مورد قبول استانداردهای پذیرفته شده حسابداری برای بدست آوردن منافع مالکانه خود به هزینه سایر سهامداران، رو بیاورند (هان ، ۲۰۰۵).

کیفیت حسابرسی عنصری مهم از راهبری شرکتی است که نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران، سهامداران و اعتباردهندگان دارند کیفیت حسابرسی مفهومی است که تعریف های متفاوتی برای آن ارائه شده است. دی آنجلو (۱۹۸۱)، تعریفی دو بعدی از کیفیت حسابرسی ارائه کرد (۱) تحریف با اهمیت باید کشف شود و (۲) تحریف با اهمیت باید گزارش شود. تعریف "دی آنجلو" از کیفیت حسابرسی مبتنی بر برداشت استفاده کنندگان یا به اصطلاح استنباط بازار از کیفیت حسابرسی است. استفاده از این تعریف در بیان کیفیت حسابرسی مبتنی بر این فرض است که برداشت از کیفیت حسابرسی، منعکس کننده ی کیفیت واقعی حسابرسی است (دی آنجلو، ۱۹۸۱) دیویدسون و نو (۱۹۹۳) کیفیت حسابرسی را به عنوان توانایی حسابرس در کشف و برطرف کردن تحریف و دستکاری در سود خالص گزارش شده تعریف کردند. از آنجایی که کار موسسه های حسابرسی متفاوت است و به طور مستقیم نمی توان با مشاهده موسسه ها تشخیص داد که کدام موسسه از کیفیت کاری بالاتری برخوردار است، لیکن پژوهش ها نشان می دهند اندازه حسابرس (جاب و هاگتون ۲۰۰۳)، تخصص حسابرس در صنعت (بالسم و دیگران، ۲۰۰۳)، شهرت، امتیاز و رتبه موسسه حسابرسی (هوگن،

۱۹۹۷) و دوره تصدی حسابرس (حکیم و امری، ۲۰۰۹) می‌توانند معیارهای متمایز کننده کیفیت حسابرسی باشند.

با توجه به مطالب بیان شده، در پژوهش حاضر به دنبال بررسی اثر تعاملی کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین ساختار مالکیت و کیفیت اقلام تعهدی خواهیم بود.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

جداسازی مالکیت از مدیریت از دهه ۱۹۳۰ مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت. در این شرایط تئوری نمایندگی بیان داشت که جداسازی مالکیت از مدیریت منجر به ایجاد مشکلات نمایندگی بسیاری می‌شود. موضوع تضاد منافع بین مدیران و سهامداران موجب مطرح شدن سازوکارهای مختلفی برای کنترل رفتار فرص طلبانه مدیران شرکتها شد. از آن جایی که سهامداران پراکنده هستند، کنترل اثربخش برای آنها کمتر وجود دارد. اگر سرمایه‌گذاران نتوانند و مایل به کنترل‌های مستقیم نباشند، باید سازوکاری ایجاد شود تا از پاسخگویی مدیران اطمینان حاصل شود. سرمایه‌گذاران احتیاج به چارچوبی دارند که در آن بتوانند بر مدیران نظارت کنند. این موضوع قابل گسترش به سوی همه ذی‌نفعان است. راهبری شرکتی یکی از ابزارهای مهم استفاده شده در زمینه همراستاسازی منافع مدیران با منافع سهامداران است. صورتهای مالی بعنوان مهمترین مجموعه اطلاعات مالی شرکتها و بیانگر نتایج فعالیت آنها محسوب می‌شود. اما مساله مهم تردید در مورد قابلیت اتکای اطلاعات مزبور است. عدم دسترسی مستقیم به اطلاعات، فرآیند تهیه آن و آثار زیان بار استفاده از اطلاعات گمراه کننده و مهمتر از آن تضاد منافع موجب افزایش تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل شده است. به دنبال ورشکستگی به تقصیر و تقلب شرکت‌های بزرگ و بعضاً چند ملیتی که باعث بدنامی مؤسسات بزرگ حسابرسی جهان و انحلال آنها گردید، نقش کیفیت حسابرسی و نظارت و دسترسی به اطلاعاتی قابل اعتماد و مربوط جایگاه بر جسته تر پیدا نمود.

بارتو و همکاران (۲۰۰۰)، در تحقیق خود برای ارزیابی کیفیت حسابرسی از شش موسسه‌ی بزرگ حسابرسی استفاده کردند، آنان فرض کردند حسابرسی توسط این شش موسسه‌ی بزرگ، دارای حداکثر کیفیت است و شرکتهای صاحبکاری که موسسه‌هایی غیر از شش موسسه‌ی بزرگ آنها را حسابرسی می‌کنند، سعی در ارائه‌ی اقلام تعهدی اختیاری بیشتری برای ایجاد تغییر در سود دارند. نتایج تحقیق آنان نشان داد، شرکتهای صاحبکار موسسه‌های غیر از شش موسسه‌ی بزرگ، اقلام تعهدی اختیاری را به طور متوسط معادل ۱.۵ تا ۲.۱ درصد از کل دارایی‌ها، بیش از شرکتهای صاحب کار شش موسسه‌ی بزرگ گزارش می‌کنند.

فاروزانا و راشیده (۲۰۰۶)، در تحقیق خود تاثیر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی (۵ موسسه‌ی بزرگ) و وجود کمیته‌ی حسابرسی بر ارقام تعهدی را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی، میزان ارقام تعهدی اختیاری را کاهش نمی‌دهد. اما، وجود یک کمیته‌ی حسابرسی فعال در شرکت میزان آنها را کاهش می‌دهد.

چمبرز و پاین (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی و ارقام تعهدی غیرعادی به این نتیجه رسیدند، مقدار بازده عملیاتی مربوط به ارقام تعهدی غیرعادی رابطه منفی با کیفیت حسابرسی دارد. چمبرز و پاین در پژوهش دوم خود در خصوص کیفیت حسابرسی و قابلیت اتکای ارقام تعهدی به این نتیجه رسیدند بالا بودن کیفیت حسابرس و همچنین به کارگیری قانون ساربینز - آکسلی موجب افزایش قابلیت اتکای ارقام تعهدی می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. پژوهش کاربردی پژوهشی است که نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فنون را برای حل مسایل اجرایی و واقعی به کار می‌گیرد. همچنین با توجه به اینکه این پژوهش به دنبال یافتن ارتباط بین چندین متغیر می‌باشد از نوع همبستگی بوده و برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش از تجزیه و تحلیل رگرسیون استفاده می‌کند. روش‌شناسی آن نیز از نوع پس‌رویدادی است؛ بدین معنی که انجام پژوهش براساس اطلاعات گذشته انجام می‌شود. پژوهش مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) به پژوهشی گفته می‌شود که پژوهشگر علت احتمالی متغیر وابسته را مورد بررسی قرار می‌دهد چون متغیر مستقل و وابسته در گذشته رخ داده‌اند لذا این نوع تحقیق غیر آزمایشی را تحقیق پس‌رویدادی می‌گویند (دلاور، ۱۳۸۵). جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تشکیل داده است. در پژوهش حاضر نمونه آماری به روش حذفی و با در نظر گرفتن قلمرو زمانی و مکانی انتخاب شده است. به همین منظور نمونه آماری این پژوهش، آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است که دارای شرایط زیر باشند:

(۱) قبل از سال ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۳ نیز در لیست بورس باشند.

(۲) شرکتهایی سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک‌ها و واسطه‌گریهای مالی و موسسات تامین مالی نباشند، زیرا الگوی ارقام تعهدی و جریانهای نقدی آنها متفاوت از سایر شرکتهاست.

(۳) سال مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه (برای داشتن قابلیت مقایسه بیشتر) باشد.

(۴) در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند.

(۵) داده های مورد نیاز آنها برای انجام این پژوهش در دسترس باشد.

پس از بررسی شرکت‌ها از لحاظ ویژگی‌های مذکور، در مجموع ۱۹۶ شرکت دارای شرایط موردنظر بودند که در طول بازه زمانی ۸ ساله پژوهش، در مجموع ۱۵۶۸ مشاهده (سال-شرکت) در دسترس است. در گردآوری داده‌ها از بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی مرتبط با بورس استفاده شده است. آزمون فرضیه‌ها نیز پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز، به کمک نرم افزار ای استاتاً انجام گرفت.

فرضیات پژوهش

- (۱) بین سهامداران مدیریتی و کیفیت اقلام تعهدی رابطه وجود دارد.
- (۲) بین سهامداران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی رابطه وجود دارد.
- (۳) کیفیت حسابرسی بر رابطه بین سهامداران مدیریتی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر دارد.
- (۳-۱) اندازه حسابرس بر رابطه بین سهامداران مدیریتی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر دارد.
- (۳-۲) تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین سهامداران مدیریتی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر دارد.
- (۴) کیفیت حسابرسی بر رابطه بین سهامداران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر دارد.
- (۴-۱) اندازه حسابرس بر رابطه بین سهامداران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر دارد.
- (۴-۲) تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین سهامداران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر دارد.

⁶ Stata

مدل و متغیرهای پژوهش

از مدل‌های زیر برای آزمون فرضیات پژوهش استفاده خواهد شد.

جدول (۱) مدل‌های آماری

مدل آماری	فرضیه
$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Ownstr_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$	اول
$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Insown_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$	دوم
$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Ownstr_{i,t} + \beta_2 Auditsize_{i,t} + \beta_3 Ownstr.Auditsize_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$	سوم
$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Ownstr_{i,t} + \beta_2 Auditspec_{i,t} + \beta_3 Ownstr.Auditspec_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$	چهارم
$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Insown_{i,t} + \beta_2 Auditsize_{i,t} + \beta_3 Insnow.Auditsize_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$	پنجم
$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Insown_{i,t} + \beta_2 Auditspec_{i,t} + \beta_3 Insnow.Auditspec_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$	ششم

جدول (۲) متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نماد	عنوان	نحوه اندازه‌گیری
وابسته	ACCQ	کیفیت اقلام تعهدی	مدل تعدیل شده جونز
مستقل	Insown	سهامداران نهادی	بصورت صفر و یک
مستقل	Ownstr	سهامداران مدیریتی	بصورت صفر و یک
تعدیل کننده	Auditsize	اندازه حسابرس	بصورت صفر و یک
تعدیل کننده	Auditspec	تخصص حسابرس در صنعت	طبق رابطه تعریف شده
کنترلی	Fsize	اندازه شرکت	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در پایان سال مالی
کنترلی	Leverage	اهرم مالی	نسبت کل بدهی به کل دارایی

الف) متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش حاضر، کیفیت اقلام تعهدی است که برای محاسبه آن ابتدا اقلام تعهدی غیراختیاری با استفاده از مدل تعدیل شده جونز (دجو و همکاران، ۱۹۹۵) بشرح زیر محاسبه می‌شود:

در این شیوه ابتدا کل اقلام تعهدی به شکل زیر محاسبه می‌شود:

$$TA = EBIT - CFO$$

که در آن؛

TA: کل اقلام تعهدی عملیاتی

EBIT: سود عملیاتی

CFO: جریان نقد حاصل از عملیات

بعد از محاسبه کل اقلام تعهدی عملیاتی ابتدا با استفاده از مدل زیر برای هر صنعت ضرایب محاسبه می‌شود:

$$TA_{i,t}/A_{i,t-1} = \alpha_1(1/A_{i,t-1}) + \alpha_2[(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) / A_{i,t-1}] + \alpha_3(PPE / A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن؛

$TA_{i,t}$: کل اقلام تعهدی عملیاتی

$A_{i,t-1}$: کل داراییهای سال قبل

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در خالص درآمد شرکت

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حسابهای دریافتی تجاری شرکت

PPE: ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات

$\varepsilon_{i,t}$: خطای برآورد

سپس با استفاده از ضرایب بدست آمده و با اطلاعات هر شرکت اقلام تعهدی غیر اختیاری (NDA) برای هر سال / شرکت با استفاده از مدل زیر محاسبه می‌شود:

$$NDA_{i,t} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{Ai(t-1)} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right)$$

در مرحله آخر ارقام تعهدی اختیاری (DA) به شرح زیر محاسبه می شود:

$$DA = TA - NDA$$

ب) متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر از دو بخش سهامداران نهادی و سهامداران مدیریتی تشکیل شده است.

سهامداران نهادی

سهامداران نهادی بخاطر تواناییهای فنی و مالی، منابع قابل ملاحظه‌ای را برای کنترل شرکت تخصیص می دهند و از نظرات کارشناسان خبره مالی برای اداره شرکت استفاده می کنند. بوش (۱۹۹۸) نشان می دهد که مالکیت نهادی یکی از سازوکارهای کنترل بیرونی موثر بر حاکمیت شرکتی است. سرمایه گذاران نهادی، سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانکها، شرکتهای بیمه، شرکتهای سرمایه گذاری و .. هستند که از طریق جمع آوری اطلاعات و ارزیابی تصمیمات مدیریت بطور ضمنی و از طریق اداره نحوه عمل شرکت به طور صریح، بر شرکت نظارت می کنند. مگ (۱۹۹۸) نشان داد که نظارت بر شرکت توسط سرمایه گذاران نهادی می تواند مدیران را وادار به تاکید بیشتر بر عملکرد شرکت و کاهش رفتار فرصت طلبانه یا خویشترن طلبانه کند.

طبق بند ۲۱ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار ایران سرمایه گذاران نهادی عبارتند از: بانکها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکتهای سرمایه گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تامین سرمایه و صندوقهای سرمایه گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار. نحوه محاسبه آن، درصد سهام نگهداری شده بوسیله سهامداران نهادی می باشد. مالکیت نهادی یک متغیر دو وجهی است. شرکتهایی که درصد سهام نگهداری شده بوسیله سهامداران نهادی بیشتر از میانه جامعه آماری است یک در غیر اینصورت صفر اختصاص می یابد.

سهامداران مدیریتی

نسبت درصد سهام در دست اعضاء هیات مدیره به کل سهام شرکت است. مالکیت مدیریتی یک متغیر دو وجهی است. شرکتهایی که درصد سهام متعلق به اعضاء هیات مدیره بیشتر از میانه جامعه آماری است یک در غیر اینصورت صفر اختصاص می یابد.

ج) متغیر تعدیل کننده

متغیر تعدیل کننده پژوهش حاضر کیفیت حسابرسی می باشد. از جمله مهم ترین شاخص های اندازه گیری کیفیت حسابرسی، اندازه حسابرِس و تخصص حسابرِس می باشد.

اندازه حسابرِس

دی آنجلو (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را به صورت احتمال کشف و گزارش اشتباه های با اهمیت در صورتهای مالی تعریف می کند. او به لحاظ نظری ارتباط بین کیفیت حسابرسی و اندازه ی موسسه ی حسابرسی را مطرح کرد و معتقد بود موسسه های بزرگ شرکتهای بیشتری را حسابرسی می کنند و کل حق الزحمه ی آنها بین شرکتهای صاحب کار تفکیک می شود و به صاحبکاران وابستگی ندارند. موسسه های حسابرسی بزرگ استقلال بیشتری دارند، بنابراین با کیفیت بیشتری به حسابرسی می پردازند. تئو و وانگ (۱۹۹۳) نشان دادند که ۴ موسسه حسابرسی بزرگتر نسبت به ۴ موسسه کوچکتر همواره دارای کیفیت حسابرسی بیشتری بوده اند.

از اندازه مؤسسه حسابرسی به عنوان جانشین حسن شهرت حسابرِس استفاده می شود که به عنوان معیاری برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی می باشد. تحقیقات نشان می دهد که هر چه اندازه حسابرِس بزرگتر باشد کیفیت حسابرسی بالاتر می رود. بنابراین از اندازه حسابرِس بعنوان یکی از معیار های سنجش کیفیت حسابرسی (متغیر موهومی)، که در اغلب تحقیقات مورد استفاده قرار گرفته است، سازمان حسابرسی و موسسه مفید راهبر یک و سایر موسسات صفر در نظر گرفته می شود.

تخصص حسابرِس در صنعت

تخصص حسابرِس در صنعت شامل خلق ایده های سازنده جهت کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحبکاران، همچنین فراهم نمودن دیدگاهها و یا راه کارهای تازه برای برخی از موضوعاتی که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه اند، می شود (کند، ۲۰۰۸). تحقیقات نشان می دهد که تخصص حسابرِس در صنعت به افزایش کیفیت حسابرسی کمک می کند. دان و می هیو (۲۰۰۴) بیان می کنند که حسابرسان متخصص در صنعت، دانش و تجربه بیشتری نسبت به حسابرسان غیر متخصص در صنعت دارند. در این تحقیق، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه گیری تخصص صنعت حسابرِس استفاده می شود. زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می دهد. هر چه سهم بازار حسابرِس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرِس نسبت به سایر رقبا بالاتر است. سهم بازار حسابرسان نیز به شرح زیر محاسبه می شود:

= سهم بازار حسابرسی	مجموع دارایی های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص
	مجموع داراییهای صاحبکاران کل آن صنعت

از رابطه زیر برای اندازه گیری تخصص صنعت حسابرس استفاده می شود.

$$\left(\frac{1}{FN}\right) * \left(\frac{1}{2}\right) < \left(\frac{SR}{SRT}\right)$$

SR: مجموع دارایی های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص

SRT: مجموع دارایی های صاحبکاران کل آن صنعت

FN: تعداد شرکتهای موجود در یک صنعت

با پیروی از پالم رز⁷، موسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص درصنعت در نظر گرفته می شوند که سهم بازار آنها یعنی (معادله سمت راستی) بیش از معادله یک بر روی تعداد شرکت های موجود در یک صنعت (FN) ضرب بر یک دوم یعنی (معادله سمت چپی) باشد.

(د) متغیرهای کنترلی

در این پژوهش، برای یکسان نمودن شرکتهای از نظر سایر عوامل تاثیرگذار، از متغیرهای کنترلی شامل اندازه شرکت، اهرم مالی استفاده می شود.

اندازه شرکت

اندازه شرکت معرف حجم و گستردگی فعالیت شرکت است. به دلیل داشتن مکانیزم های کنترلی بیشتر، شرکتهای بزرگتر از ریسک تجاری کمتری نسبت به شرکتهای کوچک برخوردار هستند. معمولاً شرکت های

⁷ Palmros

بزرگ از موسسات حسابرسی بزرگ که امکانات بیشتری دارند، استفاده می کنند. در این تحقیق، به منظور برآورد اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی کل دارایی ها در پایان سال مالی شرکت استفاده می شود.

اهرم مالی

اهرم مالی میزان استفاده از بدهی برای تأمین مالی دارایی ها را نشان می دهد. اهرم مالی از تقسیم جمع کل بدهی ها بر جمع کل دارایی ها حاصل می شود.

یافته های پژوهش

نتایج آزمون هریس و تزولیس (۱۹۹۹) که برای بررسی مانایی (پایایی) داده ها انجام گرفت، بیانگر این بود که از بین متغیرهای پژوهش فقط اندازه شرکت به دلیل بالا بودن سطح معناداری از ۵ درصد ناپایا است، که به دلیل کنترلی بودن این متغیر اشکالی در فرآیند تخمین ها ایجاد نمی گردد لذا با اطمینان از عدم ایجاد رگرسیون کاذب یا ساختگی می توان تخمین ها را انجام داد. جدول (۳) مقادیر میانگین و انحراف معیار، کمینه و بیشینه تمام متغیرهای استفاده شده را نشان می دهد.

جدول (۳) نتایج تجزیه و تحلیل توصیفی داده های کمی پژوهش بعد از خارج نمودن داده های پرت

متغیر	نماد	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
اقدام تعهدی اختیاری	ABACC	۱۵۶۸	-۰/۰۰۶۱	۱/۰۰۰۷	-۳/۹۹۰۴	۴/۵۲۴۲
سهامداران مدیریتی	Ownstr	۱۵۶۸	۰/۶۶۴۷	۰/۲۱۷۴	۰/۰۱	۰/۹۹
سهامداران نهادی	Insown	۱۵۶۸	۰/۶۸۹۵	۰/۲۵۵۰	۰/۰۱	۰/۹۹
اندازه شرکت	Size	۱۵۶۸	۱۳/۶۳۴۳	۱/۵۰۶۸	۹/۸۸۰۸	۱۹/۰۰۹۳
اهرم مالی	Lev	۱۵۶۸	۰/۶۵۸۲	۰/۳۳۳۲	۰/۰۱۲۷	۸/۱۱۷۸

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با (۰/۶۵۸۲) می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند.

به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر اندازه شرکت برابر با (۱/۵۰۶۸) و برای متغیر سهامداران مدیریتی برابر با (۰/۲۱۷۴) می باشد که نشان می دهد در بین متغیرهای پژوهش اندازه شرکت و سهامداران مدیریتی به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی می باشند.

کمینه و بیشینه، به ترتیب کمترین و بیشترین عدد متغیر در جامعه آماری را نشان می دهد. برای مثال مقدار مینیمم و ماکزیمم متغیر اندازه شرکت به ترتیب برابر با (۹/۸۸۰۸) و (۱۹/۰۰۹۳) می باشد.

جدول (۴) ضرایب همبستگی پیرسون را برای همه متغیرهای استفاده شده در مدل رگرسیون نشان می دهد.

جدول (۴) آزمون ضریب همبستگی

متغیر	اقدام تعهدی اختیاری	مالکیت مدیریتی	مالکیت نهادی	اندازه شرکت	اهرم مالی
اقدام تعهدی اختیاری ضریب پیرسون سطح معناداری	۱				
سهامداران مدیریتی ضریب پیرسون سطح معناداری	-۰/۰۳۶۹ ۰/۱۴۴۴	۱			
سهامداران نهادی ضریب پیرسون سطح معناداری	-۰/۰۰۰۵ ۰/۹۸۳۵	*۰/۶۱۰۸ ۰/۰۰۰۰	۱		
اندازه شرکت ضریب پیرسون سطح معناداری	۰/۰۳۸۳ ۰/۱۲۹۹	۰/۰۳۷۸ ۰/۱۳۴۲	*۰/۱۷۶۰ ۰/۰۰۰۰	۱	
اهرم مالی ضریب پیرسون سطح معناداری	۰/۰۰۹۱ ۰/۷۱۹۵	۰/۰۱۸۹ ۰/۴۵۵۵	*-۰/۰۶۳۰ ۰/۰۱۲۶	-۰/۰۱۵۵ ۰/۵۴۰۹	۱

جدول (۴) نشان می دهد که هیچ همبستگی جدی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد، لذا مدل های طراحی شده برای آزمون فرضیه ها، از این نظر نیز مطلوب هستند.

نتایج آزمون چاو برای تعیین نوع آزمون (تلفیقی یا داده‌های تابلویی) مقدار آماره اف لیمر را عدد $0/000$ (کمتر از ۵ درصد) نشان داد. در نتیجه، الویت در استفاده از روش داده‌های تابلویی است. در سطح اطمینان ۹۵٪، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها مورد تحلیل قرار گرفت که به شرح زیر می‌باشد.

نتایج فرضیه اول

بر طبق مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش انتظار می‌رود بین سهامداران مدیریتی و کیفیت اقلام تعهدی رابطه معناداری وجود داشته باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که سهامداران مدیریتی رابطه معکوس با کیفیت اقلام تعهدی دارد ولی این رابطه‌ی معکوس از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. لذا فرضیه اول رد می‌شود. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

نتایج فرضیه دوم

فرضیه دوم: بر طبق مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش انتظار می‌رود بین سهامداران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی رابطه معنادار وجود داشته باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که سهامداران نهادی رابطه معکوس با کیفیت اقلام تعهدی دارد ولی این رابطه‌ی معکوس از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. لذا فرضیه دوم رد می‌شود. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۳)، آجینکیا و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد.

نتایج فرضیه سوم

فرضیه سوم: بر طبق مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش انتظار می‌رود اندازه حسابرس بر رابطه بین سهامداران مدیریتی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر داشته باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که این متغیر بر رابطه بین سهامداران مدیریتی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر معناداری ندارد، لذا فرضیه سوم رد می‌شود. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش فاروزانا و راشیده (۲۰۰۶)، ازیبی و راجی (۲۰۰۸) مطابقت دارد.

نتایج فرضیه چهارم

فرضیه چهارم: بر طبق مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش انتظار می‌رود تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین سهامداران مدیریتی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر داشته باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که این متغیر بر رابطه بین سهامداران مدیریتی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر معناداری ندارد، لذا فرضیه چهارم رد می‌شود. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش حاجیها و همکاران (۱۳۹۱) مطابقت دارد.

نتایج فرضیه پنجم

بر طبق مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش انتظار می‌رود اندازه حسابرس بر رابطه بین سهامداران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر داشته باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که این متغیر بر رابطه بین سهامداران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر معناداری ندارد، لذا فرضیه پنجم رد می‌شود. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش فاروژانا و راشیده (۲۰۰۶)، ازببی و راجی (۲۰۰۸) مطابقت دارد.

نتایج فرضیه ششم

بر طبق مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش انتظار می‌رود تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین سهامداران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر داشته باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که این متغیر بر رابطه بین سهامداران نهادی و کیفیت اقلام تعهدی تاثیر معناداری ندارد، لذا فرضیه پنجم رد می‌شود. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش حاجیها و همکاران (۱۳۹۱) مطابقت دارد.

جدول (۵) نتایج آزمون فرضیه اول

$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Ownstr_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	-۰/۳۱۱۲	۰/۲۳۹۵	-۱/۳۰	۰/۱۹۴
سهامداران مدیریتی	-۰/۰۹۶۱	۰/۰۶۲۹	-۱/۵۳	۰/۱۲۷
اندازه شرکت	۰/۰۲۶۴	۰/۰۱۶۷	۱/۵۸	۰/۱۱۵
اهرم مالی	۰/۰۳۱۲	۰/۰۷۵۸	۰/۴۱	۰/۶۸۰
معناداری کل مدل	آماره		سطح معناداری	
	۱/۵۹		۰/۱۸۹۵	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۰۱۱			

جدول (۶) نتایج آزمون فرضیه دوم

ACCQ = $\beta_0 + \beta_1 Insown_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	-۰/۳۶۹۷	۰/۲۳۶۶	-۱/۵۶	۰/۱۱۸
سهامداران نهادی	-۰/۰۱۷۰	۰/۰۶۳۳	-۰/۲۷	۰/۷۸۸
اندازه شرکت	۰/۰۲۶۳	۰/۰۱۷۰	۱/۵۴	۰/۱۲۳
اهرم مالی	۰/۰۲۷۷	۰/۰۷۶۰	۰/۳۷	۰/۷۱۵
معناداری کل مدل	آماره		سطح معناداری	
	۰/۸۴		۰/۴۷۳۲	
ضریب تعیین تعدیل شده				-۰/۰۰۰۳

جدول (۷) نتایج آزمون فرضیه سوم

ACCQ = $\beta_0 + \beta_1 Ownstr_{i,t} + \beta_2 Auditsize_{i,t} + \beta_3 Ownstr.Auditsize_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	-۰/۳۲۶۰	۰/۲۴۴۴	-۱/۳۳	۰/۱۸۲
سهامداران مدیریتی	-۰/۰۸۹۳	۰/۰۶۹۲	-۱/۲۹	۰/۱۹۷
اندازه حسابرس	۰/۰۰۳۶	۰/۱۶۴۳	۰/۰۲	۰/۹۸۲
سهامداران مدیریتی، اندازه حسابرس	-۰/۰۲۷۹	۰/۱۷۴۶	-۰/۱۶	۰/۸۷۳
اندازه شرکت	۰/۰۲۷۵	۰/۰۱۷۳	۱/۵۸	۰/۱۱۴
اهرم مالی	۰/۰۳۲۲	۰/۰۷۵۹	۰/۴۲	۰/۶۷۱
معناداری کل مدل	آماره		سطح معناداری	
	۰/۹۸		۰/۴۲۷۴	
ضریب تعیین تعدیل شده				-۰/۰۰۰۱

جدول (۸) نتایج آزمون فرضیه چهارم

$$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Ownstr_{i,t} + \beta_2 Auditspec_{i,t} + \beta_3 Ownstr.Auditspec_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر
۰/۲۳۲	-۱/۲۰	۰/۲۵۴۱	-۰/۳۰۳۸	عرض از مبدا
۰/۴۷۰	-۰/۷۲	۰/۱۱۴۶	-۰/۰۸۲۸	سهامداران مدیریتی
۰/۸۰۳	۰/۲۵	۰/۱۲۶۴	۰/۰۳۱۵	تخصص حسابرس در صنعت
۰/۸۹۷	-۰/۱۳	۰/۱۳۷۱	-۰/۰۱۷۶	سهامداران مدیریتی. تخصص حسابرس در صنعت
۰/۱۸۳	۱/۳۳	۰/۰۱۸۲	۰/۰۲۴۲	اندازه شرکت
۰/۶۷۸	۰/۴۲	۰/۰۷۵۸	۰/۰۳۱۵	اهرم مالی
سطح معناداری		آماره		معناداری کل مدل
۰/۴۳۲۲		۰/۹۷		
-۰/۰۰۰۱				ضریب تعیین تعدیل شده

جدول (۹) نتایج آزمون فرضیه پنجم

$$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Ownstr_{i,t} + \beta_2 Auditsize_{i,t} + \beta_3 Insown.Auditsize_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر
۰/۱۰۳	-۱/۶۳	۰/۲۴۱۰	-۰/۳۹۳۳	عرض از مبدا
۰/۹۴۱	-۰/۰۷	۰/۰۶۸۴	-۰/۰۰۵۰	سهامداران نهادی
۰/۸۷۹	۰/۱۵	۰/۱۸۰۳	۰/۰۲۷۵	اندازه حسابرس
۰/۷۳۹	-۰/۳۳	۰/۱۹۰۳	-۰/۰۶۳۴	سهامداران نهادی. اندازه حسابرس
۰/۱۱۲	۱/۵۹	۰/۰۱۷۴	۰/۰۲۷۷	اندازه شرکت
۰/۶۹۷	۰/۳۹	۰/۰۷۶۱	۰/۰۲۹۶	اهرم مالی
سطح معناداری		آماره		معناداری کل مدل
۰/۷۲۴۰		۰/۵۷		
-۰/۰۰۱۴				ضریب تعیین تعدیل شده

جدول (۱۰) نتایج آزمون فرضیه ششم

$ACCQ = \beta_0 + \beta_1 Insown_{i,t} + \beta_2 Auditspec_{i,t} + \beta_3 Insown.Auditspec_{i,t} + \beta_4 Fsize_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	-۰/۲۹۳۳	۰/۲۴۸۶	-۱/۱۸	۰/۲۳۸
سهامداران نهادی	-۰/۱۰۸۱	۰/۱۰۶۳	-۱/۰۲	۰/۳۰۹
تخصص حسابرس در صنعت	-۰/۰۹۰۱	۰/۱۱۸۸	-۰/۷۶	۰/۴۴۹
سهامداران نهادی. تخصص حسابرس در صنعت	۰/۱۴۰۵	۰/۱۳۰۸	۱/۰۷	۰/۲۸۳
اندازه شرکت	۰/۰۲۵۰	۰/۰۱۸۵	۱/۳۵	۰/۱۷۶
اهرم مالی	۰/۰۲۴۵	۰/۰۷۶۱	۰/۳۲	۰/۷۴۷
معناداری کل مدل	آماره		سطح معناداری	
	۰/۷۶		۰/۵۷۹۶	
ضریب تعیین تعدیل شده	-۰/۰۰۰۸			

نتیجه گیری و محدودیت‌ها

در پژوهش حاضر با توسعه ادبیات نظری پیشین تلاش شد تاثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و کیفیت ارقام تعهدی بیان شود. برای آزمون فرضیات از رگرسیون حداقل مربعات تجمیع شده استفاده شده است. به صورتی که در مدل به ترتیب با در نظر گرفتن سهامداران مدیریتی و نهادی بعنوان معیارهای ساختار مالکیت و همچنین اندازه حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت به عنوان دو معیار کیفیت حسابرسی به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و کیفیت ارقام تعهدی پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین ساختار مالکیت و کیفیت ارقام تعهدی، و همچنین عدم تاثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین این دو متغیر می باشد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۳)، حاجیها و همکاران (۱۳۹۱)، ازیبی و راجی^۸ (۲۰۰۸)، فاروزانا و راشیده^۹ (۲۰۰۶) و آجینکیا^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد.

⁸ Azibi & Rajhi

⁹ Fairuzana & Rashidah

¹⁰ Ajinkya

به منزله محدودیت پژوهش حاضر، عامل تورم که به عنوان یک عامل مداخله گر می تواند نتایج پژوهش را تحت تاثیر قرار دهد و کنترل آن توسط پژوهشگر امکان پذیر نمی باشد، در نظر گرفته نشده و همچنین شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر بورس و شرکتها در زمان های مختلف ثابت فرض شده است که این موضوع در تعمیم نتایج، پژوهش را با محدودیت مواجه می کند.

منابع و ماخذ

بیابانی، شاعر و رضی کاظمی، ستاره (۱۳۹۲)، ساختار مالکیت (ترکیب سهامداری و تمرکز) و سیاست تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)، شماره ۲۰، زمستان.

حاجیها، زهره، برادران حسن زاده، رسول و احمدزاده، یونس (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر تخصص در صنعت و دوره تصدی حسابرسی بر مدیریت سود (با تاکید بر صورت های مالی میان دوره ای) در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۹.

حساس یگانه، یحیی، دیدار، حمزه و اسکندری، احمد (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی اختیاری و شده در غیراختیاری در شرکتهای پذیرفته بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشهای حسابداری مالی، شماره ۱۹.

دلاور، علی (۱۳۸۵)، روشهای تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، انتشارات: دانشگاه پیام نور.

Ajinkya, B, Bhojraj, S, Sengupta, P (2005), The association between outside directors, institutional investors, and the properties of management earnings forecasts, *Journal of Accounting Research* 43, 343-376.

Azibi and Rajhi (2008), Auditor's Choice and Earning Management after Enron Scandals: Empirical Approach in French Context, Working paper.

Bushee, B (1998), The influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior, *The Accounting Review*, 7(3): 305-333.

Bartov, Ferdinand and Judy (2000), Discretionary-Accruals Models and Audit Qualifications, *Journal of Accounting and Economic*, Vol 30, No 3, pp:421-452.

Baslam, S, Krishnan, J and Yang, J (2003), Auditor industry specialization and earning quality, *Journal of Auding*, Vol. 22, pp71-97.

Campbell, J. Y, Lettau, M, Malkiel, B. G, Xu, Y (2001), Have Individual Stocks Become More Volatile? An Empirical Exploration of Idiosyncratic Risk, *Journal of Finance*, Vol. 56, Pp. 1-43.

Chambers D, Payne J (2008), Audit Quality and the Accrual Anomaly, Working Paper 2008; Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1136787>.

- Davidson, R. A and Neu,D (1993) ,A Rote on Association Between Audit Firm Size and Audit Quality, Contemporary Accounting Research , Vol. 9, No. 2 , pp. 479-488 .
- Dunn, K and Mayhew,B (2004),Audit firm industry specialization and client disclosure quality, Review of Accounting Studies, 9 (1): 35–58.
- DeAngelo, L. E (1981) ,Auditor Size and Audit Quality, Journal of Accounting and Economics, Vol. 3, No. 3 , pp 183-199 .
- Dechow,P, Sloan,R and Sweeney,A (1995),Detecting earnings management,The Accounting Review,Vol.70,No.2.
- Francis ,J, Micheal S. A(2005), re-examination of the persistence of accruals and cash flows, Journal of Accounting and Economics , 43: 413-451.
- Francis, J, Laford, R, Olsson,P and Schipper,K (2005), The market pricing of accruals quality, Journal of Accounting and Economics, Vol. 39.
- Francis, J, Lafond,R , Olsson,P and Schipper,K (2006),Cost of equity and earning attributes, The Accounting Review, Vol. 79, pp 137-164.
- Fan , J and Wong, T.J (2002), Corporate Ownership Structure and the Informativeness of Accounting Earnings in East Asia, Journal of Accounting and Economics, 20(2), 125-153.
- Fairuzana and Rashidah (2006), Board, audit committee, culture and earnings management: Malaysian evidence, Managerial Auditing Journal, vol 21, no 7: pp 783 – 804.
- Han, S (2005), Ownership structure and quality of financial reporting, Working Paper of University of Illinois.
- Hakim. F and Omri,A (2009), Audit Quality and Equity Liquidity: Case of the Listed Tunisian Firms, The Icfai University Journal of Audit Practice.5:2 . 57-72.
- Hogan, C. E (1997) ,Costs and Benefits of Audit Quality in the IPO Market: a self - Selection Analysis , The Accounting Review. Vol. 72 , No. 1 , pp. 67-86 .
- Jubb,J and Houghton (2003), Audit Quality: Earnings Management in the Context of the 1997 Asian Crisis.
- Kend, M (2008), Client industry audit expertise: towards a better understanding, pacific Accounting Review, Vol20,pp.49-62.
- Leuz, C and Verrecchia, R (2000), Economic Consequences of Increased Disclosure, Journal of Accounting Research, Vol. 38, pp. 91–124.
- Liu, Y (2006), Does Institutional Investors Composition Influence Managerial Myopia? The Case of Accounting Restatements, Working Paper, University of Oregon.
- Maug, E (1998), Large Shareholders as Monitors: is There a Trade-off between Liquidity and Control? , Journal of Finance, 53, 65-98.
- Teoh , S. H and Wong,T.J (1993) ,Perceived Auditor Quality and the Earnings Response Coefficient , The Accounting Review , Vol. 68 , No. 2 , pp. 346-366 .